

- [تحلیل تکنیکال](#)
- [آشنایی با انواع نمودار ها](#)
- [نمودار های میله ای \(BarChart\)](#)
- [نمودار های خطی \(Line Chart\)](#)
- [نمودار های شمعی \(CandleStick Chart\)](#)
- [آشنایی با تعریف S&R](#)
- [شناسایی اصول تشخیص S&R](#)
- [اصول استفاده از Support & Resistances](#)
- [اصول درجه اهمیت S&R](#)
- [استفاده از تعویض نقش و شکسته شدن S&R](#)
- [آشنایی با محدوده های S&R Zone](#)
- [اصول کار با S&R](#)
- [اصول استفاده از گپ ها و کاربردشان به عنوان S&R](#)

تحلیل تکنیکال در بازار مبادلات ارز

همانطور که در درس دوم اشاره شد، تحلیل تکنیکال بررسی نمودار قیمت و شناسایی الگوهای قیمتی در جهت پیش بینی حرکت های آینده بازار می باشد. مهمترین ابزار یک تحلیل گر تکنیکال (Technical Analyst) نمودار تغییرات قیمت می باشد. در این درس انواع نمودار ها را خواهیم شناخت و با پایه ای ترین ابزار تحلیل آنها یعنی خطوط حمایت – ساپورت (Support) و خطوط مقاومت – رزیستانس (Resistance) آشنا خواهیم شد.

بهتر است در همین ابتدای کار با اصطلاح بازه زمانی – تایم فریم (Time Frame) آشنا شوید. همانطور که از اسم آن پیدا است بازه زمانی اشاره دارد به مدت زمانی که تغییرات قیمت در آن ثبت می شود. به عنوان مثال اگر قیمت را در پایان هر هفته بر روی نمودار ثبت کرده و این نقاط را به هم متصل کنیم، نموداری به دست می آید که می گوئیم بازه زمانی آن هفتگی است و یا اگر این کار را برای هر ساعت انجام دهیم، یعنی قیمت را در پایان هر ساعت بر روی نمودار ثبت کنیم، نموداری با بازه زمانی یک ساعته به دست می آوریم.

آشنایی با انواع نمودار ها – چارت

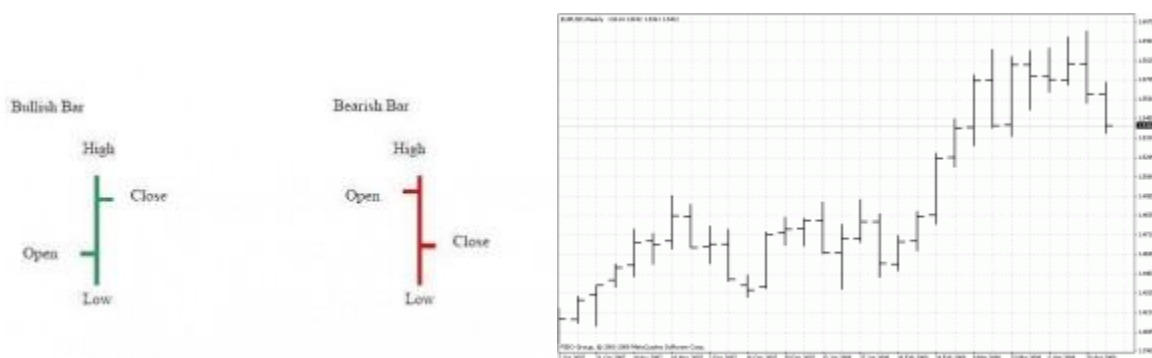
نمودار ها اصلی ترین ابزار تحلیل تکنیکال می باشند. هر نمودار از دو پارامتر اصلی تشکیل شده، قیمت و زمان. قیمت در محور عمودی نمودار و زمان در محور افقی قرار دارد. قیمت در هر نموداری برگرفته از ارزش شاخص، کالا یا ارزش ارز اول نسبت به ارز دوم می باشد. زمان نیز بازه زمانی هر نمودار را نمایش می دهد بازه های زمانی نمودار ها از تیک چارت (تغییر لحظه ای قیمت) تا نمودار های ساعتی، روزانه و حتی ماهانه می تواند متغیر باشند. تغییرات قیمت در بازه های مختلف نمودار به اشکال متفاوتی نمایش داده می شود. اما در کل ماهیت تفسیر نمودار ها در بازه های مختلف تفاوت چندانی ندارد.

نمودار های میله ای – بار چارت (BarChart)

معمولاً در آموزش نمودار ها، ابتدا نمودار خطی را بیان می کنند اما ترجیح می دهم که ابتدا شما را با نمودار میله ای آشنا کنم. قبل از اینکه وارد جزئیات یک نمودار میله ای شویم مایل هستم شما را با مفهوم تایم فریم (TimeFrame) یا بازه زمانی آشنا کنم. هر نمودار قیمت، بنا به انتخاب کاربر می تواند بازه های زمانی متفاوتی را نشان دهد از بازه یک دقیقه ای (یا تیک چارت) تا بازه زمانی هفتگی و حتی ماهیانه. وقتی که شما برای نمودار خود تایم فریم یک روزه را انتخاب می کنید، یعنی هر واحد بر روی محور زمان (محور افقی) نشان دهنده یک روز است. به همین ترتیب اگر تایم فریم یک ساعته را انتخاب کنید، هر واحد بر روی محور افقی نمودار برابر یک ساعت خواهد بود.

به بحث اصلی در مورد نمودار میله ای برگردیم. اگر به تصویر زیر توجه شود (شکل ظاهری یک نمودار میله ای) نمودار میله ای از تعداد زیادی از این میله ها (Bars) تشکیل شده که هر کدام از اینها، تغییرات قیمت را در بازه زمانی انتخاب شده نشان می دهند. یعنی به طور اجمالی می گویند که در بازه زمانی مورد نظر چه اتفاقی روی داده و چه تغییراتی در آن ایجاد شده است.

فرض کنیم بازه زمانی (تایم فریم) یک روزه را انتخاب کرده ایم. در این حالت هر میله نشان دهنده یک روز می باشد. زانده سمت چپ میله قیمت باز شدن (Open Price) را نشان می دهد. یعنی در روز مورد نظر، اولین قیمت چه عددی بوده است. زانده سمت راست قیمت بسته شدن (Close Price) را نمایش می دهد. یعنی قیمت در آخرین لحظه از آن روز را نشان می دهد. نقطه پایینی میله حداقل قیمتی را نشان می دهد که در آن روز وجود داشته است (Low Price) و به همین ترتیب نقطه بالایی میله حداکثر قیمت آن روز را نشان می دهد. (High Price) حالا دوباره به شکل ظاهری یک میله از نمودار میله ای نگاه کنید و سعی کنید مطالب گفته شده را به خاطر بسپارید. با کمی دقت متوجه می شوید که اگر در یک میله (Bar) قیمت باز شدن (Open) پایین تر از قیمت بسته شدن (Close) باشد، یعنی در آن بازه زمانی قیمت صعود کرده و یا بالعکس. این چهار قیمت برای هر بازه زمانی بسیار مهم هستند و بعد ها استفاده زیادی از آنها خواهیم کرد. پس حتما مفهوم High ، Low ، Open ، Close را به خوبی یاد بگیرید.



نمودارهای خطی – لاین چارت (Line Chart)

نمودار خطی ساده ترین نوع نمودار می باشد. در این نوع از نمودار، قیمت های Close در هر بازه زمانی به هم متصل شده و نمودار را به وجود می آورند و در این نمودار نمی توانیم قیمت Open ، High ، Low را مشاهده کنیم.



نمودارهای شمعی – کندل استیک چارت (Candlestick Chart)

نمودار شمعی (Candlestick) یکی از پر کاربردترین نمودارها می باشد که در واقع نسخه تکامل یافته نمودار میله ای است. از این نوع نمودار ژاپنی ها در قرن هجدهم استفاده می کرده اند که تاریخچه آن در نوع خود جالب است.

همانطور که در نمودار میله ای هر میله نشان دهنده تغییرات قیمت در یک بازه زمانی بود، در نمودار کندل استیک Candlestick نیز هر کندل نشان دهنده قیمت باز شدن، بسته شدن، قیمت حداکثر و قیمت حداقل در بازه زمانی مورد نظر است. همانطور که در شکل ظاهری یک کندل مشاهده می کنید، هر کندل شامل یک قسمت پهن (بدنه یا Body) و دو خط نازک در بالا و پایین (Shadow) است. فاصله بین قیمت Open و قیمت Close بدنه را تشکیل می دهد و قیمت High و Low را خط های باریک (سایه و Shadow نیز خوانده می شوند) نمایش می دهند.

علت اینکه آنقدر افراد نمودار کندل استیک را بر نمودار میله ای ترجیح می دهند این است که در نمودار شمعی، صعودی و نزولی بودن قیمت در هر بازه زمانی به راحتی قابل تشخیص است. معمولاً کندل های صعودی – بولیش کندل (Bullish Candle) با رنگ سبز، سفید، آبی و یا توخالی نمایش داده می شوند و کندل های نزولی – بریش کندل (Bearish Candle) با رنگ مشکی، قرمز، قهوه ای و یا توپر نشان داده می شوند.

شکل ها و الگوهایی که کندل ها با قرار گرفتن در کنار یکدیگر ایجاد می کنند مطالب بسیاری را بیان می کنند که بعد ها مفصل به آنها خواهیم پرداخت.

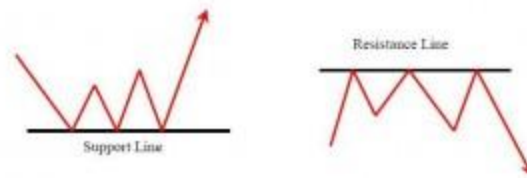


آشنایی با تعریف ساپورت و رزیستانس S&R

به طور کلی برای هر معامله، نیاز به سه فاکتور می باشد تا بین جهت، نقاط خروج (حدضرر و حدسود) و حجم. در گذشته در مورد تکنیک های مدیریت سرمایه و تعیین حجم معامله به تفصیل صحبت کردیم اما دو فاکتور دیگر چیست؟ مهمترین هدف هر تریدر برای افزایش سرمایه تشخیص جهت بازار می باشد جهت از آن رو حائز اهمیت است که سود معامله گران از تشخیص درست جهت ساخته می شود تنها هدف باید این باشد که تریدر جهت غالب خریداران یا فروشندگان را تشخیص دهد و همسو با آنان وارد بازار شود. از آنجا که پویایی بازار مبادلات ارز یعنی حجم و تعداد زیاد خریداران و فروشندگان از تغییرات قیمت ها و جهات آنها ناشی می شود تشخیص نقاط تغییر قدرت بین خریداران و فروشندگان از مهم ترین مباحث تحلیل تکنیکال می باشد. بنابراین نقاط تغییر جهت روند اصلی قیمت از صعودی به نزولی و یا از نزولی به صعودی از اهمیت بالایی برخوردار است. نقاط حداقل (Minimum) که روند نزولی قیمت با برخورد به آنها تغییر جهت داده و به روند صعودی تبدیل می شود را نقاط حمایت یا (Support به اختصار S) می نامیم و به نقاط حداکثر (Maximum) که روند صعودی قیمت با برخورد به آنها تغییر جهت داده و به روند نزولی تبدیل می شود را نقاط مقاومت یا (Resistance به اختصار R) می گوئیم. درک و تشخیص نقاط S و R برای معاملات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در پنج درس آینده انواع روش های تشخیص و استفاده از نقاط حمایت و مقاومت توضیح داده خواهد شد.

شناسایی اصول تشخیص ساپورت و رزیستانس S&R

اولین گام برای تشخیص نقاط بازگشت قیمت (S&R) مکان هایی روی نمودار می باشد که در گذشته معامله گران نسبت به آن قیمت ها عکس العمل نشان داده اند عموماً از این نقاط در اصطلاح به ساپورت و رزیستانس چشمی یاد می کنند.



همانطور که در شکل مشاهده می شود با دوبار برخورد قیمت به سطح قیمتی خاص زمانی که بار سوم قیمت به این سطوح می رسد حجم زیادی از معاملات خرید به فروش یا بالعکس تبدیل می شود و از همین رو بازار در جهت معکوس حرکت می کند.

اصول استفاده از ساپورت و رزیستنس Support & Resistances

در زمان تشخیص ساپورت S و رزیستنس R می توان با مد نظر قرار دادن قوی بودن این سطوح، انتظار داشت قیمت در هنگام برخورد با آنها در خلاف جهت روند قبلی حرکت کند و معامله در جهت خلاف روند قبلی باید انجام شود. البته تا زمانی که تجربه و دانش تشخیص بجا و درست محدوده های S&R را بدست نیاورده اید توصیه نمی شود که به این شکل معامله کنید.

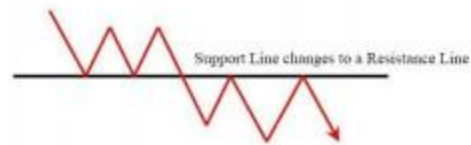
اصول درجه اهمیت ساپورت و رزیستنس S&R

درجه اهمیت ساپورت و رزیستنس به عوامل گوناگونی مربوط است. اما در اینجا به ساپورت و رزیستنس های مختلف و درجه اهمیت آنها خواهیم پرداخت.

ساپورت و رزیستنس چشمی: همانطور که در گذشته ذکر شد معمول ترین نقاط بازگشت بازار نقاطی است که در گذشته بازار نسبت به آنها عکس العمل نشان داده است. درجه اهمیت S و R چشمی به عوامل گوناگونی بستگی دارد. هر چه تعداد دفعات بازگشت قیمت از سطحی بیشتر باشد اهمیت آن قیمت بیشتر است اگر قیمتی در S یا R سه بار بازگشته باشد بسیار اهمیت بیشتری نسبت به خطی دارد که تنها یک بار قیمت از آن مکان بازگشته است. هر چه S یا R در نمودار بلند مدت تری مورد بررسی قرار بگیرد اهمیت آن سطوح بیشتر می باشد. به عنوان مثال باید درک کنیم اهمیت ساپورت و رزیستنس در نمودار هفتگی بیشتر از نمودار چهار ساعته و در نمودار چهار ساعته بسیار قوی تر از نمودار 15 دقیقه است. نکته دیگر، ساپورت رزیستنس های احساسی می باشد، ساپورت و رزیستنس هایی که بازار در گذشته های دور به آنها رسیده و بازار سالهاست که آن قیمت را مشاهده نکرده S و R دیگری که در این دسته جای می گیرد نقاط Even می باشد نقاط Even در مبادلات ارز قیمت هایی است که از پنج رقمی که عموماً ارزها در مقابل یکدیگر محاسبه می گردند دو رقم سمت راست به عدد دو صفر برسد. از آنجا که در جاهایی که بازار به رقم صحیح دو صفر می رسد نرخ برابری یک واحد اصلی تغییر میکند از لحاظ احساسی بازار نسبت به این اعداد واکنش نشان می دهد. مثال این مورد زمانی است که نرخ برابری یورو به دلار از 1.2999 به 1.3000 می رسد. در این زمان شاید بازار نسبت به تغییر برابری این جفت عکس العمل نشان بدهد و اجازه رسیدن قیمت به سطوح بالاتر را ندهد. در درس های آینده با ساپورت و رزیستنس های دیگری نیز آشنا خواهیم شد.

استفاده از تعویض نقش و شکسته شدن ساپورت و رزیستنس S&R

از آنجا که ساپورت و رزیستنس ها برای بازار سطوح قیمتی مهمی به شما می روند حتی با شکسته شدن این سطوح و عبور قیمت از آنها امکان اینکه قیمت در آینده نسبت به آنها عکس العمل نشان بدهد بسیار بالا می باشد و در بازگشت نقش S یا R با یکدیگر تعویض می شود. ساپورت در آینده نقش یک رزیستنس را بازی می کند یا یک رزیستنس مانند یک ساپورت ایفای نقش می کند. همانطور که در شکل زیر مشاهده می کنید عبور قیمت از یک ساپورت، نقش رزیستنس را در آینده به آن خط واگذار کرده و بازار نسبت به آن خط عکس العمل نشان داده است.



در زیر نمودار روزانه دلار به ین ژاپن دیده می شود. قیمت 108.95 در ابتدا نقش رسیستنس و پس از شکسته شدن تبدیل به ساپورت می شود.



آشنایی با محدوده های S&R Zone

محدوده های ساپورت و رسیستنس خطوطی نزدیک به هم هستند که نقش ساپورت یا رسیستنس را بازی می کنند. قیمت در نمودارهای روزانه و پایین تر با اختلاف چند پیپ و در نمودارهای هفتگی و ماهانه با اختلاف چند ده پیپ نسبت به محدوده های ساپورت و رسیستنس عکس العمل نشان می دهد. در شکل زیر محدوده رزیستنسی را می بینید که روند صعودی قیمت با هر بار رسیدن به این محدوده تبدیل به روندی نزولی شده است.



اصول کار با ساپورت و رزیستنس S&R

با شناسایی و بکارگیری محدوده های حمایت و مقاومت یک معامله گر می تواند به درستی معاملات خود را مدیریت نماید. کسب تجربه در استفاده از ساپورت و رزیستنس نکته مهمی می باشد. تنها از طریق زیر نظر گرفتن بازار و کار با این خطوط می توان مهارت خود را در استفاده از خطوط ساپورت و رزیستنس بهبود بخشید. توصیه می شود در زمان شکسته شدن یک S یا R تا زمان بسته شدن کندل صبر نمایید. با رد شدن قیمت وارد معامله نشوید. امکان بازگشت قیمت به سطح ساپورت یا رسیستنس بسیار زیاد است. به طور کلی به علت اینکه هیچ موضوعی در بازار قطعی نمی باشد حتی در صورتی که تشخیص دادید قیمت از سطح مورد نظر نمی گذرد از عوامل تایید کننده دیگر نیز استفاده کنید. یکی از روش

های کاربردی دیگر برای استفاده از S و R تایید گرفتن از نمودارهای بلند مدت (تایم فریم بالاتر) می باشد. در این صورت بسیاری از سیگنال های خطا، فیلتر شده و از معاملات اشتباه جلوگیری می شود. در انتها دوباره تاکید می شود تا زمانی که تجربه کافی به دست نیاورده اید از معامله در حساب حقیقی بپرهیزید و تا حد امکان در حساب های دمو بر تجربیات خود بیافزایید.

اصول استفاده از گپ ها و کاربردها به عنوان S&R

گپ در اصطلاح به شکاف قیمت در بین دو بازه زمانی (دو کندل) در نمودار گفته می شود. در فاصله گپ عموماً معامله ای انجام نشده است و عرضه و تقاضا در نقطه انتهای گپ برای ارائه قیمت جدید به توازن رسیده است.

با اینکه عموماً در بازار مبادلات ارز به علت 24 ساعته بودن و پیوستگی قیمت ها گپ های بسیار کمی مشاهده می شود، اما به علت وجود گپ ها در مباحث ساپورت و رزیستنس به توضیح در مورد آنها می پردازیم.

گپ ها به طور عمومی به سه دسته تقسیم می شوند:

Breakaway Gap

Measuring Gap

Exhaustion Gap

1- گپ شکست بعد از یک روند خنثی، برای ایجاد یک روند بلند مدت در خلاف جهت روند قبلی ایجاد می گردد. در اغلب موارد قیمت، گپ ایجاد شده را کاملاً پر نمی کند. این گپ نشان دهنده آغاز یک روند بلند مدت می باشد.

2- گپ امتداد معمولاً در میانه یک روند اتفاق می افتد و معمولاً از گپ شکست بزرگ تر می باشد در اغلب موارد قیمت این گپ را نیز کاملاً پر نمی کند. با اندازه گیری فاصله ابتدای روند تا گپ امتداد، می توان انتظار همین فاصله را از گپ امتداد تا پایان روند داشت.

3- گپ خستگی در پایان روند ایجاد می شود. قیمت پس از ایجاد گپ خستگی خیلی زود گپ را پر می کند. در نقطه مقابل گپ خستگی و در روند معکوس عموماً گپی خلاف گپ خستگی در قسمتی از آن ایجاد می شود که تاییدی بر گپ خستگی و آغاز روند جدید است که می تواند تشکیل دهنده الگوی جزیره ای قیمت باشد.



همانطور که در شکل ملاحظه می کنید گپ اول یک گپ خستگی می باشد که در انتهای یک روند صعودی تشکیل شده و پس از ایجاد گپ خستگی در انتهای روند صعودی الگوی جزیره ای تشکیل شده است. بیضی دوم گپ شکستی را نمایش می دهد که آغاز یک روند نزولی را نوید می دهد و بیضی سوم یک گپ امتداد است که ادامه روند را تایید می کند فاصله نوک قله روند نزولی تا گپ سوم دقیقاً به اندازه ادامه روند نزولی می باشد و بدین وسیله امکان اندازه گیری اولین نقطه بازگشت در روند نزولی قیمت قابل پیش بینی بوده است.

گپ ها در اکثر موارد ساپورت و رزیستنس های بسیار قوی هستند و نقاط باز شدن گپ ها برای معامله گران نقاطی هم تراز ساپورت و رزیستنس های قوی می باشند. با اینکه در مبادلات ارز گپ های کمی داریم اما در زمان اعلام خبرهای فرار و فاصله بسته بودن بازار در روزهای شنبه و یکشنبه گپ هایی بوجود می آید که با توضیحاتی که در بالا داده شد می توان از آنها استفاده کرد.

- [تقسیم بندی روندها از لحاظ جهت حرکت](#)
- [تقسیم بندی روند ها به لحاظ زمانی](#)
- [اصول کار با خط روند \(Trend Line\) نحوه رسم و درجه اهمیت](#)
- [کاربرد خط روند](#)
- [رسم کانال ها](#)
- [کاربرد کانال ها](#)

روندها (ترندها) ، سمت و سوی حرکت قیمت در گذشته را نشان می دهند. از آنجا که روند، قدرت و تمایل غالب تریدرها را در نوسانات قیمت نشان می دهد می توان انتظار داشت تا زمانی که نیرویی بیشتر از نیروی فعلی بازار و در جهت عکس به بازار وارد نشود روند ادامه داشته باشد.

روندها مجموعه ای از موج های صعودی و نزولی می باشند. در اولین نگاه میتوان این نکته را متوجه شد که بازار هیچ زمانی دارای روند مستقیم نیست و مجموعه ای از شکسته شدن حمایت ها و مقاومت های گوناگون است که یک روند را تشکیل می دهد.

تقسیم بندی روندها (ترندها) از لحاظ جهت حرکت

روندها دارای سه جهت کلی می باشند 1: روند صعودی 2:روند نزولی 3:روند خنثی

1:در روند صعودی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تضعیف داشته باشد تمایل به تقویت و بالا رفتن دارد. در روند صعودی معقول ترین کار خریدن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند صعودی است.

2:در روند نزولی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تقویت داشته باشد تمایل به تضعیف و پایین آمدن دارد. در روند نزولی معقولترین کار فروختن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند نزولی است. (در بازارهای یک طرفه فروختن به معنی بی معامله ماندن و نظاره کردن می باشد)

3:روند خنثی بیان کننده قدرت برابر خریداران و فروشندگان در زمانی خاص است. عموماً آنچه در روند خنثی دیده می شود در بازه های زمانی کوتاه تر تلفیقی از روندهای صعودی و نزولی می باشد و در بازه های زمانی بلند مدت روند خنثی، خود جزئی از یک روند دیگر می باشد. در روند های خنثی یا معامله گر باید تا زمان چیرگی قدرت یکی از گروه خریداران یا فروشندگان نظاره گر باشد و یا از روند های کوچک صعودی و نزولی بازار منتفع شود.

تقسیم بندی روند ها (ترندها) به لحاظ زمانی

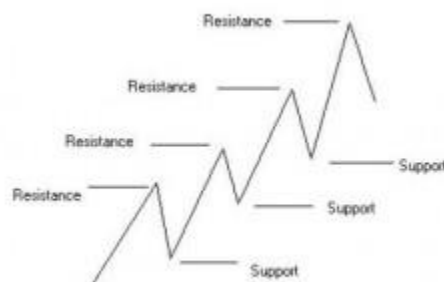
غیر از جهت قیمت، طول مدت روند نیز حائز اهمیت می باشد. تا به حال تعریف غالبی برای تقسیم بندی زمانی روندها، بین تریدرها وجود نداشته اما تقسیم بندی غالب به سه دسته اشاره دارد 1: روند بلند مدت 2: روند میان مدت 3:روند کوتاه مدت برای این تقسیم بندی روند بلند مدت را بیش از شش ماه یا یکسال در نظر می گیرند. روند میان مدت را بیش از یک ماه تا یکسال در نظر می گیرند و روند کوتاه مدت را روندهای دارای زمان کمتر از یک ماه در نظر می گیرند. گرچه روند های میان روز کوچک تر از روند های کوتاه مدتی است که تعریف کردیم اما اغلب معامله گران روند های میان روز را نیز جزء روند های کوتاه مدت طبقه بندی می کنند.

نکته دیگر در مورد روندها، حرکات موجی شکل آنها است. هر روند در بازه زمانی خاص خود تشکیل شده از چند روند کوچکتر و در بازه زمانی بزرگتر جزئی از موج روند بزرگتر می باشد. بنابراین وقتی صحبت از روند به میان می آید تعیین بازه زمانی روند نیز حائز اهمیت می باشد.

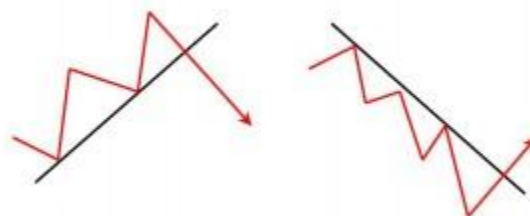
اصول کار با خط روند ترند لاین (Trend Line) (نحوه رسم و درجه اهمیت)

همانطور که در گذشته اشاره شد روند ها مجموعه ای از پیشی گرفتن موج های یک جهت قیمت بر جهت مقابل می باشد. اگر به شکل زیر دقت کنید می بینید که روند صعودی مجموعه ای از روندهای کوچکتر می باشد که مجموع و اندازه

روندهای نزولی، کوچکتر از روندهای صعودی می باشد. از همین رو روند غالب صعودی است. به بیانی دیگر شاهد آن هستیم که در روند صعودی مقاومت های جدید بالاتر از مقاومت های قبل از خود هستند اما قیمت در خطوط حمایت به حمایت قبل از خود نمی رسد. عکس این حالت برای روند نزولی تعریف می شود.



تا زمانی که در یک روند صعودی قرار داریم دره های قیمت (حمایت ها) نباید به قیمت پایین تر از حمایت قبلی برسد و در روند نزولی قله های قیمت (مقاومت ها) نباید به قیمت بالاتر از مقاومت قبلی برسد. این نکته مهمترین اصل تشخیص و بکارگیری روند می باشد. در صورتی که قله ها یا دره ها به موج قبل خود برسند در اصل بیان کننده این هستند که یا شیب روند غالب کم شده یا آن روند پایان یافته و روند معکوس جدیدی در پیش داریم.



برای ترسیم یک روند صعودی حداقل دو دره قیمت (حمایت) را به یکدیگر متصل می کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی رد نشود روند صعودی می ماند. برای ترسیم یک روند نزولی حداقل دو قله قیمت (مقاومت) را به یکدیگر متصل می کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی رد نشود روند نزولی می ماند. اعتبار یک روند را تعداد دفعات برخورد قیمت با خط روند (ترند لاین) ، میزان زمان باقی ماندن قیمت در روند و شیب روند تعیین می کند و در صورتی که هر کدام از سه پارامتر بالا بیشتر و بزرگتر باشد اطمینان کردن به روند غالب اهمیت بیشتری پیدا می کند.

کاربرد خط روند (ترند لاین)

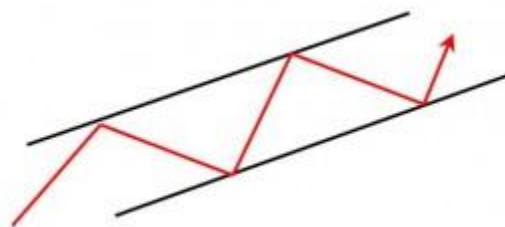
با توجه به توضیحات بالا تکنیک استفاده از خط روند بدین صورت می باشد که بعد از ترسیم خط روند، در بازگشت قیمت، با برخورد قیمت به خط روند، انتظار بازگشت قیمت در جهت روند غالب را داریم و معامله ای در جهت روند باز می کنیم. در شکل زیر روند صعودی دلار به فرانک را می بینیم. پس از هر بار برخورد قیمت به خط روند (Trend line) قیمت شروع به بالا رفتن می کند. در بار سوم و چهارم برخورد قیمت به خط روند می توان در جهت صعودی معامله خرید باز

کرد می بینیم که هر بار معامله ما وارد سود شده است.



رسم کانال ها

معمولا روند ها تمایل دارند که در داخل کانال قیمتی خاص حرکت کنند بدین معنی که همانطور که شیب خط روند در صورت تغییر می تواند باعث تعویض نقش روند شود، خارج شدن بازار از کانال خود نیز می تواند باعث تغییرات در روند و شیب آن گردد. برای ترسیم خط کانال باید به موازات خط روند خطی از آخرین قیمت موجود در کانال رسم شود. برای خط روند حتما لازم بود دو نقطه را برای روند در نظر بگیریم اما در خط کانال نیازی به دو نقطه برخورد قیمت نمی باشد و تنها یک نقطه را با فرض استفاده موازی خط روند میتوان استفاده کرد. فراموش نشود خط کانال تابعی از خط روند می باشد و هیچ زمانی خط کانال قبل از خط روند ترسیم نمی شود.



کاربرد کانال ها

در مورد خط کانال نیز به مانند خط روند در برخورد قیمت به خط کانال ترسیمی میتوان بازگشت قیمت به درون خط کانال را انتظار داشت. ریسک معاملات برخورد قیمت با خط کانال بسیار بیشتر از معاملات با خط روند می باشد. دلیل این موضوع نیز وارد شدن در این معاملات بر خلاف روند غالب بازار می باشد در حالی که معاملات بر اساس خط روند در جهت عمومی قیمت است. خط دیگری نیز بین دو خط ترند لاین و کانال میتوان وجود داشته باشد با نام خط میانه (Middle line) که از این خط نیز میتوان به مانند دو خط روند و کانال استفاده کرد. نکته دیگر در مورد استفاده از خطوط روند و کانال، تصحیح این خطوط در زمان هایی است که شیب آنها کم می شود و باید خطوط جدیدی ترسیم شود تا از زیان معاملات جلوگیری شود.